

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مصطفی قهرمانی

۲۸ نومبر ۲۰۲۳

«غرب‌شیف‌تگی» و توهم تلاش‌گری برای آزادی و حقوق بشر!



پس از گذشت بیش از ۷ هفته از آغاز درگیری‌ها در باریکه غزه سکوت معنادار و شرم‌آور مدعیان ایرانی مبارزه توأمان علیه استبداد و برای حقوق جهان‌شمول بشر در ایران در مقابل نسل‌کشی، پاک‌سازی قومی و جابه‌جانی جمعیتی مردم بی‌پناه غزه توسط رژیم آپارتاید و کودککش اسرائیل دیگر تهوع‌آور و غیرقابل توجیه و بخشش شده‌است، همانهایی که با آنجلینا جولی در زندان تلفونی صحبت می‌کنند ولی در همان زندان از اوضاع غزه آنچنان بی‌اطلاع هستند که قادر به نوشتن سه‌خط در راستای محکومیت رژیم کودککش اسرائیل نیستند. ظاهراً غرب‌شیف‌تگان نیز همانند خود غربی‌ها اسیر ستندردهای دوگانه هستند.

انسان مگر می‌تواند مدعی باشد در میهن خود برای آزادی و حقوق بشر و کرامت انسانی زنان و مردان ایرانی مبارزه می‌کند ولی در مقابل تجاوز و اشغال‌گری در همسایگی خود بی‌تفاوت باشد بل حتی بعضاً خوشحال باشد که روند تحولات به سو و جهتی می‌رود که در نهایت به تثبیت و بقای تجاوز و آپارتاید رژیمی در منطقه منجر می‌شود که همگان می‌دانند در زمره رکابداران سلطه بیگانگان و نماد امپریالیسم در منطقه ما می‌باشد. همان بیگانگانی که با چشمداشت به منابع و ذخایر طبیعی مردمان این سرزمین با امنیتی‌سازی منطقه از طریق بر ساخته‌های حقوقی جعلی

همانند «ایران‌هراسی» و تروریستی خواندن نیروهای مسلح این کشور سعی بر سلطه دوباره بر این میهن را در نظر دارند. تنها این واقعیت یعنی دعوت مریم رجوی به‌عنوان رهبر گروهک تروریستی «مجاهدین خلق» جهت سخنرانی در برابر پارلمان اروپا در ستراسبورگ در روز ۲۲ نوامبر ۲۰۲۳ نه‌فقط نماد یک کنش خصمانه این نهاد با کشور مستقل ایران است بلکه نمایانگر ستندردهای دوگانه غربی‌ها می‌باشد. با این شواهد که هرروز بر تعداد آنها افزوده می‌گردد پازل انحطاط حقوقی و اخلاقی غرب هرروز کاملتر شده و دیگر غیرقابل کتمان است.

این است همان غربی که با این ستندردهای دوگانه بیش‌از ۴۰۰ سال است در حال غارت و چپاول مستمر دنیای ما می‌باشد و هنوز هم از دست‌درازی به سرمایه‌های مردمان سرزمین‌های دور دست‌بردار نیست و آنجا که به سدها و صخره‌های سخت مقاومت در مقابل چپاول‌گری برخورد می‌کند با بازی‌سازی امنیتی و تروریستی خواندن نیروهای مقاومت ملت‌ها سعی در مسخر کردن و درهم شکستن آنها دارند. البته اقدام به کودتا و انجام لشکرکشی‌ها به‌دلایل خودساخته و واهی و بدون امکان راستی‌آزمایی توسط مراجع ذی‌صلاح و بی‌طرف بین‌المللی سکه رایج دخالت‌های امپریالیسم در بیش از ۷۰ مورد در بازه زمانی پس از جنگ دوم جهانی تا کنون بوده است.

این‌همه را غرب‌شیفتگان سیاسی ما قادر به دیدنش نیستند. خودشیفته‌ها و رمانتیستهای بازار مکاره کنش‌گری سیاسی در میهن ما که اسیر شبانه رؤیاهای ژاندارک و چه‌گوارا شدن هستند اما اکثراً به علت فقر معرفتی و معضل ادراکی و یا شاید هم از ترس از دست دادن شهرت کاذب جهانی خود و مزیت‌های مادی و معنوی آن و یا از سر لجاجت با حاکمیت ولائی مستقر در ایران نه این‌همه را می‌بینند و نه در پیکار خود قادر به ارائه بازتاب و تحلیلی نقادانه در مورد نقش و جایگاه نظام سلطه جهانی در شکل‌گیری و تداوم نابرابری‌های سیاسی و اقتصادی موجود جهان ما هستند.

اینها که خود را مفتخر به حمایت جامعه جهانی بخوانید غربی می‌پندازند از این معرفت‌بنیادی اما غافل هستند که آنها تنها عروسک‌های بیش در دست بازی‌گردانان امپریالیسم نمی‌باشند. نظام سلطه خود بزرگترین تهدیدکننده و مخدوش‌کننده حقوق اساسی انسان‌ها در جهان ما می‌باشد، بدون فهم ضرورت و بدون آمادگی و توان مبارزه با امپریالیسم اما پیکار با استبداد داخلی چه از نوع ولائی و یا شاهنشاهی آن عملاً توهمی بیش نیست.

غرب‌شیفتگی یک بیماری است یک توهم است ناشی از عدم اشراف علمی و اطلاعاتی نسبت به پدیده‌ای به نام سلطه و نسبت به پدیده‌ای به نام غرب. شناخت مبانی نظری و فلسفی غرب اگر هم بعضاً در نزد بعضی از آنها وجود داشته باشد لازم است اما یقیناً کافی نیست!

کسانی که حداقل یک زبان غربی را در سطح عالی ندانند و حداقل ۱۰ سال با غربی‌ها در فرآیند کاری تنگاتنگ زندگی نکرده باشند قادر به خواندن مفاهیم بین‌سطور و فهم دنیای آلوده به انحطاط، دوگانگی و آپارتاید اخلاقی و حقوقی غرب نیستند. آنها غرب را نمی‌شناسند آنها اسیر پوسته زیبا و فریبنده آن شده‌اند از این‌رو دچار غرب‌شیفتگی هستند برای پیشرفت می‌خواهند از «فرق سر تا نوک پا مستفرننگ» شوند پدیده‌ای که تنها یک توهم نیست بلکه لااقل از دویست سال پیش به این‌سو یک بیماری دیرپا در میهن ماست که نشانه‌های آن «سطحی‌نگری» «فقر معرفت» و «ضعف ادراک» نسبت به یک پدیده فرهنگی – تمدنی به نام غرب می‌باشد. غرب آنگاه غرب شد که توانست جنگ، فقر و استثمار در درون را از طریق برون‌سپاری و غارت و استثمار به سرزمین‌های دیگر منتقل کند. این مدل بیش از ۷۸ سال است که پس از پایان جنگ دوم جهانی (۲ سپتامبر ۱۹۴۵) جواب داده است.

کنش‌گری خلاقانه برای حقوق‌بشر و علیه استبداد ولائی حاکم بر میهن ما اما بدون اشراف به این بنیان‌های معرفتی تعلیق به محال است و سر از همان ناکجاآبادی درخواهد آورد که امثال رضا پهلوی، مریم رجوی، معصومه علی‌نژاد،

شیرین عبادی و ... امروز در کوچه‌پس‌کوچه‌های آن در حال تقلا برای قبول پیمانکاری بیگانگان و فاند گرفتن از اربابان امریکائی، اروپائی و اسرائیلی خود می‌باشند.
غرب‌شیفتگی و تلاش‌گری صادقانه و نقادانه برای آزادی و حقوق جهان‌شمول بشر مانع‌الجمع هستند.